

بازپژوهی کارکردهای سیاق در تفسیر المیزان

رسول محمد جعفری *

استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد، تهران، ایران

حسن اصغرپور **

استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد، تهران، ایران

مرتضی اوحدی ***

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۲۲)

چکیده

در روش تفسیر قرآن به قرآن، یکی از قراین مقاله برای فهم آیات، توجه به سیاق آن‌هاست. از این رو، علامه طباطبائی که در تفسیر المیزان به روش تفسیر قرآن به قرآن عنایت ویژه‌ای داشته، به سیاق آیات اهمیت فراوانی داده‌است، آن سان که بالغ بر ۲۱۱۱ بار قاعده سیاق را در فهم و تبیین آیات و روایات به کار گرفته‌است. برخلاف پژوهش‌های پیشین که تنها بخشی از کارکردهای سیاق را در المیزان تحقیق کرده‌اند، این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی به احصا و بررسی دقیق تمام استعمال‌های سیاق در این تفسیر پرداخته‌است و کارکردهای آن را در دو محور کلان ایجابی و سلبی سامان داده‌است. در محور کارکردهای ایجابی، چهارده کارکرد مختلف سیاق، از جمله بیان احکام شرعی، تاریخ‌گذاری آیات، تبیین مبهمات، تبیین مفهوم آیات، تبیین و تعیین معنای واژگان و... به دست آمد و در محور کارکردهای سلبی سیاق نیز سه رویکرد نسبت به سیاق تبیین گردید.

واژگان کلیدی: المیزان، قرآن، تفسیر، سیاق.

* نویسنده مسئول) E-mail: rasulmohamadjafari@yahoo.com

** E-mail: hsnasr21@yahoo.com

*** E-mail: morteza.ohadi@yahoo.com

مقدمه

قرآن کریم کتابی است روشنگر و برای هدایت و اندرز پارسایان فرود آمده است: ﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (آل عمران / ۱۳۸). خداوند پیامبر^(ص) را به تبیین آیاتش موظف کرده است: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (النحل / ۴۴). پس از رسول خدا^(ص)، اندیشمندان و مفسران با الهام از سیره ایشان و با استفاده از روش‌های مختلف و متنوع به تفسیر این کتاب آسمانی پرداختند. در این بین، روش تفسیر قرآن به قرآن که از عصر پیامبر^(ص) مورد توجه بوده، پس از ایشان نیز کم‌وبیش از سوی مفسران بهره‌برداری شد تا نوبت به مفسران متأخر و معاصر رسید و عنایت بیشتری بدان شد. در روش تفسیر قرآن به قرآن، بهره‌گیری از سیاق آیات اهمیت فراوانی دارد. در این روش، تدبر در سیاق آیات برای نیل به مقصود خدای تعالی، از کارآمدترین ابزارهای فهم آیات می‌باشد. همچنین، بهره‌گیری از سیاق، اگرچه از دیرباز مورد توجه مفسران بوده است، با وجود این، در سده اخیر بدان عنایت افزون‌تری شده است. در میان تفاسیر شیعه، تفسیر المیزان از سیاق فراوان بهره برده است، به طوری که علامه طباطبائی سیاق آیه را گویاترین دلیل برای فهم مقصود آیه می‌داند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۶: ۱۱۶). از این روست که شناخت کارکردهای سیاق در روش تفسیری علامه اهمیت بسیاری دارد.

در باب موضوع سیاق، در المیزان پژوهش‌های متعددی سامان یافته است: ۱- سهراب مروتی و امان‌الله ناصری کریموند در مقاله خود با عنوان «روش علامه طباطبائی در بررسی و نقد تفاسیر روایی با تکیه بر قاعده سیاق»، موارد و عوامل نقد و ردّ روایات تفسیری را در المیزان بر اساس قاعده سیاق بررسی کرده‌اند. ۲- محمدعلی رضایی کرمانی در پژوهش خود با عنوان «جایگاه سیاق در المیزان»، به بررسی نقش سیاق در سوره احزاب پرداخته است و کارکردهای سیاق را در این سوره تحقیق کرده است. ۳- عبدالجبار زرگوش‌نسب و سید محمدباقر هاشمی در مقاله‌ای با عنوان «بهره‌گیری از روش تفسیر سیاقی در المیزان»، کارکردهای سیاق در المیزان را در هفت کارکرد سامان داده است. ۴- مهدی ایزدی و نورالدین زندیه در پژوهش خود با عنوان «سیاق و سباق در مکتب تفسیری علامه طباطبائی»، مبانی اثرگذاری سیاق را تبیین

کرده‌است و موارد به کار گرفتن سیاق در *المیزان* را در یازده محور معرفی کرده‌اند. ۵- سهراب مروتی و امان‌الله ناصری کریموند در مقاله خود با عنوان «قاعده سیاق و نقش آن در روش‌های کشف معانی و مفاهیم قرآن در تفسیر *المیزان*»، به شش مورد کارکردهای سیاق در *المیزان* پرداخته‌اند. ۶- سید علی اکبر ربیع نتاج در پژوهش خود با عنوان «نقش سیاق در کشف معانی قرآن از منظر مؤلف *المیزان*»، به بیان مواردی چند از کارکردهای سیاق در *المیزان* همت گماشته‌است. ۷- عباس تقویان در مقاله خود با عنوان «گونه‌شناسی سیاق در تفسیر *المیزان*؛ صورت‌بندی و کارکرد»، جامع‌ترین پژوهش را درباره گونه‌ها و کارکردهای سیاق در تفسیر *المیزان* سامان داده‌است و در تحقیق خود، ۱۴ کارکرد سیاق را استخراج و تبیین کرده‌است.

به نظر می‌رسد در تحقیق‌های انجام‌شده، سیاق در *المیزان* به طور مستوفی احصا و دسته‌بندی و تبیین نشده‌است. از این رو، در این تحقیق، با رویکردی نو در دو محور کارکردهای ایجابی و کارکردهای سلبی، تمام مواردی که سیاق در *المیزان* به کار رفته، تبیین شده‌است، ضمن آنکه مجموع آمار دقیق بهره‌گیری از سیاق در *المیزان* و مقدار آن‌ها در هر کارکردی گزارش و در جدولی ارائه گردیده‌است.

۱- تعداد و کارکردهای سیاق در تفسیر *المیزان*

واژه «سیاق» مصدر فعل «ساق، يسوق» و اصل آن «سواق» بوده‌است و بر اساس قواعد اعلال، به دلیل مکسور بودن «سین»، «واو» به «پاء» قلب شده‌است (ر.ک؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲: ۴۲۴). سیاق در لغت به معنای راندن و به حرکت در آوردن است (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۱۷). در لغت‌نامه‌های معاصر، برای سیاق معانی «بافت»، «ریخت»، «ساختار»، «تسلسل»، «رشته» و «متن» را نوشته‌اند (ر.ک؛ آذرنوش، ۱۳۸۹: ۳۱۰). اما در اصطلاح قرآنی، «سیاق»، ساختاری کلی است که بر مجموعه‌ای از کلمات، جملات و یا آیات سایه می‌افکند و بر معنای آن‌ها اثر می‌گذارد (ر.ک؛ رجیبی، ۱۳۸۳: ۹۲).

در تفسیر *المیزان*، ۲۳۶۴ بار واژه «سیاق» در معنای لغوی و اصطلاحی آن به کار رفته‌است. از این تعداد، ۵۲ بار این واژه در معنای لغوی - و نه اصطلاح تفسیری - و ۲۳۱۲ بار در معنای

اصطلاحی برای تبیین کارکردهای تفسیری و غیر آن استفاده شده است. از آنجا که علامه طباطبائی در برخی موارد برای بیان یک کارکرد، بیش از یک بار اصطلاح سیاق را به کار برده است، با احتساب این موارد، حدود ۲۱۱۱ کارکرد سیاق در المیزان به دست آمد. کارکردهای اصطلاحی سیاق را در دو محور کلی کارکردهای ایجابی و کارکردهای سلبی می توان تقسیم کرد که توضیح هر یک از این دو و زیرمجموعه های آن ها در ادامه می آید.

۲- کارکردهای ایجابی سیاق

مراد از کارکردهای ایجابی سیاق که بیشترین حجم مباحث سیاق را در المیزان در بر دارد، این است که قاعده سیاق، اساس تبیین و تفسیر آیات و روایات مختلف باشد و با جمع آوری این موارد و بررسی های دقیق صورت گرفته مشخص گردید که علامه ۱۴ نوع کارکرد را با به کارگیری ایجابی سیاق در تفسیر خود داشته است: ۱- بیان احکام شرعی. ۲- تاریخ گذاری آیات. ۳- تبیین مبهمات. ۴- تبیین مفهوم آیات. ۵- تبیین و تعیین معنای واژگان. ۶- تعیین مخاطب. ۷- تفسیر مطلقات. ۸- تناسب آیات. ۹- تبیین قواعد ادبی. ۱۰- نقد و اختیار آرای تفسیری. ۱۱- اختیار قرائت. ۱۲- اختیار مرجع ضمیر. ۱۳- نقد و تأیید روایات. ۱۴- تعیین نوع روایت با سیاق.

۲-۱ بیان احکام شرعی

حدود پانصد آیه از آیات قرآن کریم به طور مستقیم به مباحث فقهی مصطلح پرداخته اند^۱ (ر.ک؛ رجبی، ۱۳۸۳: ۲۸۱؛ رکنی، ۱۳۷۹: ۱۷۸ و جلالیان، ۱۳۷۸: ۳۹). عمیق ترین تدبیرها در پانصد آیه، احکام و روایات ذیل آن ها صورت گرفته است (ر.ک؛ نقی پورفر، ۱۳۸۱: ۲۰۲). بر این اساس، بهره گیری از سیاق برای عمق بخشی به فهم آیات احکام مهم می باشد. علامه طباطبائی در چهار مورد با بهره برداری از سیاق به بیان احکام شرعی پرداخته است؛ برای نمونه، ذیل آیه ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (التوبه / ۶۰) می نویسد:

«آیه بیانگر مصارف صدقه واجب است. بر اساس سیاق آیه و با توجه به جمله ﴿فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ﴾ که ذیل آیه آمده است، مراد از صدقه واجب، زکات می باشد که موارد مصارف آن هشت مورد می باشد و لازمه آن نیز این است که فقیر و مسکین جدای از یکدیگر در نظر گرفته شوند» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.ج ۹: ۳۱۰؛ برای نمونه های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۵: ۶۱؛ همان، ج ۵: ۱۶۵ و همان، ج ۶: ۱۱۱).

۲-۲) تاریخ گذاری آیات

«تاریخ گذاری یا کروئولوژی قرآن عبارت از این است که به کمک روایات مختلف مکی و مدنی، اسباب نزول، ترتیب نزول، ناسخ و منسوخ، تاریخ پیامبر اسلام^(ص) و بهره گیری از تلویحات یا تصریحاتی که در قرآن در باب رویدادهای زمان مند تاریخ رسالت آن حضرت، نظیر شروع دعوت علنی، شکست روم، جنگ بدر و جنگ تبوک وجود دارد، زمان و ترتیب تاریخی هر یک از واحدهای نزول قرآن، اعم از یک سوره، تمام یا بخشی از یک سوره، شناسایی و معین گردد» (نکونام، ۱۳۸۰: ۲).

از جمله قراین و دلایل قرآنی برای تعیین تاریخ گذاری آیات و سوره، سیاق آیات است. در *المیزان* از این مهم برای چهار موضوع اساسی در تاریخ گذاری بهره برداری شده است که عبارتند از: ۱- شناسایی مکی و مدنی. ۲- احتمال مکی یا مدنی. ۳- شناسایی واحد نزول آیات و سوره ها. ۴- شناخت زمان نزول آیات.

۲-۲-۱) شناسایی مکی و مدنی

شناخت مکی یا مدنی بودن آیات از جمله مباحث مهم در علوم قرآنی است و برای شناخت آن، راه های متفاوت عنوان شده که از جمله آنها، استفاده از سیاق آیات می باشد. علامه طباطبائی در ۶۷ مورد با استفاده از سیاق، آیات و سوره های مکی و مدنی را شناسایی کرده است؛ برای نمونه، در ابتدای سوره انفال می نویسد:

«سیاق آیات این سوره نشان می دهد که سوره انفال در مدینه و پس از جنگ بدر نازل شده است. این سوره برخی از اخبار جنگ بدر، مسایل متفرقه ای که مربوط به جهاد، غنایم، انفال و مانند

آن‌هاست و نیز اموری که در باب هجرت می‌باشد، بیان می‌کند» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۹: ص ۵؛ برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۱۱: ۲۸۵؛ همان، ج ۱۲: ۲۰۳؛ همان، ج ۱۵: ۷۸؛ همان، ج ۱۶: ۲۰۹؛ همان، ج ۱۸: ۳۳۷؛ همان، ج ۱۹: ۶ و همان، ج ۲۰: ۲۶).

۲-۲-۲) احتمال مکی یا مدنی

منظور این است که با بهره‌گیری از سیاق، هر دو احتمال مکی یا مدنی بودن آیه یا سوره‌ای روا باشد. علامه با بهره‌گرفتن از سیاق در سه مورد، هر دو احتمال مکی یا مدنی بودن آیه یا سوره‌ای را وارد دانسته‌است؛ برای نمونه، در ابتدای سوره لیل می‌نویسد: «این سوره بر اساس سیاقی که دارد، هر دو احتمال مکی و مدنی بودنش وارد است» (همان، ۱۴۱۷ق.، ج ۲۰: ۳۰۲؛ برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۲۰: ۲۳۰ و همان، ج ۲۰: ۳۵۱).

۲-۲-۳) شناسایی واحد نزول آیات و سوره‌ها

«به بخشی از قرآن که در هر بار بر پیامبر^(ص) وحی می‌گردید، اعم از آنکه یک سوره تمام یا بخشی از آن باشد، واحد نزول گویند» (نکونام، ۱۳۸۰: ۲). در المیزان، سیزده بار با استفاده از سیاق، واحد نزول آیات شناسایی شده‌اند؛ برای نمونه، علامه ذیل آیات ۱۵۳ تا ۱۵۷ سوره بقره (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ...) می‌نویسد:

«این آیات پنجگانه یک سیاق متحد دارند. جملات آن‌ها نظم خاصی دارد و از نظر معنایی با یکدیگر سازگاری دارند. اول این آیات به انتهای آن‌ها مرتبط است و آخر این آیات به ابتدای آن‌ها بازمی‌گردد و این مسئله مشخص می‌کند که این آیات به صورت دفعی و یکپارچه - و نه پراکنده - نازل شده‌اند» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱: ۳۴۳؛ برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۲: ۴؛ همان، ج ۷: ۵ و همان، ج ۲۰: ۳۲۲).

۲-۲-۴) شناخت زمان نزول آیات

بر اساس تصریح خود قرآن، نزول آیات و سوره‌ها تدریجی بوده است^۲ و طی بیست یا بیست‌وسه سال بر پیامبر^(ص) فرود آمده‌اند. بنابراین، واحدهای نزول آن‌ها زمانی مشخص داشته‌اند. برای تعیین زمان آن‌ها، شش منبع در دسترس می‌باشد: آیات قرآن، روایات ترتیب نزول، اسباب نزول، سیره نبوی، مکی و مدنی و نیز ناسخ و منسوخ (ر.ک؛ نکونام، ۱۳۸۰: ۱۰۵). آیات قرآن تنها منبع اصیل و غیرمحرّف برای تاریخ‌گذاری قرآن است (ر.ک؛ همان: ۱۰۶). استفاده از قراین محتوایی آیات همچون سیاق، در این راستا راهگشا می‌باشد. علامه با استفاده از سیاق، در سیزده مورد به شناسایی زمان نزول بعضی از آیات پرداخته‌است؛ نمونه‌های آن عبارتند از:

الف) علامه ذیل آیات ۷ تا ۱۴ سوره انفال (وَإِذْ يَعِدُّكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ...) می‌نویسد: «این آیات به داستان جنگ بدر که اولین جنگ در اسلام بوده‌است، اشاره دارند و ظاهر سیاق این آیات نشان می‌دهند که این آیات بعد از پایان یافتن جنگ بدر نازل شده‌اند» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۹: ۱۹).

ب) علامه ذیل آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ...﴾ (الممتحنه/ ۱۰) می‌نویسد: «سیاق آیه نشان می‌دهد که این آیه بعد از صلح حدیبیه نازل شده‌است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۹: ۲۴۰؛ برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۵: ۱۶۰؛ همان، ج ۹: ۳۶۰؛ همان: ۳۶۷ و همان، ج ۱۲: ۲۰۳).

۲-۳) تبیین مبهمات

در اصطلاح علوم قرآنی، مراد از مبهمات، افراد، امکانه، ازمنه و غیره می‌باشند که در آیات قرآن بدان‌ها تصریح نشده‌است و برخی از بزرگان در این زمینه کتابی مستقلاً تألیف کرده‌اند (ر.ک؛ اقبال، ۱۳۸۵: ۲۵۶). این قبیل مبهمات نوعاً از طریق روایت تبیین گردیده‌است، اما در پاره‌ای از آیات، گوینده سخن دقیقاً مشخص نیست و مفسر باید با توجه به صدر و ذیل آیات

آن را تعیین کند که علامه ۲۹ بار به کمک سیاق در تبیین این مبهمات سعی داشته است؛ از جمله در موارد زیر:

الف) علامه ذیل آیه ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرَجُوا أَنفُسَهُمْ...﴾ (الأنعام / ۹۳) می‌نویسد: «مراد از این قسمت از آیه (أَخْرَجُوا أَنفُسَهُمْ)، قطع علاقه روح از بدنشان است و این همان مرگ می‌باشد و این سخن با توجه سیاق، متعلق به فرشتگان است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۷: ۲۸۵).

ب) علامه ذیل آیه ۵۲ سوره یوسف (ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ) می‌نویسد: «با توجه به سیاق، این سخن خداوند، کلام یوسف^(ع) می‌باشد (همان، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۶: ۱۹۶؛ برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۱: ۱۹؛ همان، ج ۸: ۱۸۴؛ همان، ج ۱۲: ۴۹؛ همان، ج ۱۴: ۸۱؛ همان، ج ۱۵: ۳۶۵؛ همان، ج ۱۷: ۱۴۰؛ همان، ج ۱۹: ۳۶۵).

۲-۴) تبیین مفهوم آیات

مقصود از تبیین مفاهیم این است که مفسر با اندیشیدن در زوایای مختلف آیه، با توجه به آیات مشابه و با اتکا به فهم و برداشت خود، مفاهیم ظریف و نکات لطیفی که در آیه می‌باشد، تبیین کند، علامه در ۹۱۷ مورد به کمک سیاق به تبیین مفهوم آیات پرداخته است؛ از جمله در موارد زیر:

الف) علامه ذیل آیه ۱ سوره رعد: ﴿الْمَرْءُ * تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ می‌نویسد: «ظاهر سیاق آیه و سه آیه بعد با توجه به اتصالی که با یکدیگر دارند، از آیات تکوینی به حساب می‌آیند که به برافراشتن آسمان‌ها، گستراندن زمین، مسخّر کردن خورشید، ماه و غیره اشاره دارند و این‌ها همه بر توحید خداوند سبحان دلالت دارند و قرآن پرده از آن برداشته و حق نیز به سوی آن فرامی‌خواند. این آیه تذکر می‌دهد که تدبر در اجزای آیات و تفکر در آن‌ها، یقین به مبدأ و معاد و نیز علم به حقانیت آنچه را که بر پیامبر^(ص) فرود آمده است، در پی دارد. بنابراین، مراد از «آیات» در ﴿تِلْكَ آيَاتُ

الْكِتَابِ ﴿۱﴾، موجودات تکوینی و اشیاء خارجی مسخر در نظام عام الهی می‌باشد (ر.ک؛ همان، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱: ۲۸۵).

علامه با استفاده از ظاهر سیاق آیات یک تا چهار سوره رعد، برخلاف برداشت ابتدایی از واژه «آیات» که آیات تشریحی یا همان آیات قرآن را به ذهن متبادر می‌کند، این واژه را به معنای آیات و نشانه‌های تکوینی خداوند در آسمان و زمین - و نه به معنای آیات قرآن - تبیین کرده است. البته لازم به ذکر است که علامه اندکی پیش‌تر واژه «آیات» را با دو دلالت طبیعی و لفظی می‌داند. در دلالت طبیعی، به آیات تکوینی و در دلالت لفظی، به آیات قرآنی اشاره دارد (ر.ک؛ همان، ج ۱۱: ۲۸۵-۲۸۶).

ب) علامه ذیل آیه ﴿خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ (البقره/ ۱۶۲) می‌نویسد: ﴿خَالِدِينَ فِيهَا﴾ (مرتبط با آیه قبل^۳) و به این معناست که کافران در لعن جاودان هستند و ادامه آیه (لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ) تبدیل سیاق از لعن به عذاب است تا دلالت کند که لعن به عذابی برای آنان تبدیل می‌شود (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۹۱؛ برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۱: ۱۲۷؛ همان، ج ۲: ۴۰۸؛ همان، ج ۵: ۳۰۰؛ همان، ج ۸: ۲۴۹؛ همان، ج ۹: ۹۵؛ همان، ج ۱۲: ۹۷؛ همان، ج ۱۴: ۱۹۶؛ همان، ج ۱۵: ۳۴۹؛ همان، ج ۱۸: ۲۳۷؛ همان، ج ۱۹: ۱۲۵ و همان، ج ۲۰: ۵۱).

۵-۲) تبیین و تعیین معنای واژگان

برخی واژگان مفرد یا مرکب قرآن است که معنای اصطلاحی دارند و در تفسیر آنها، میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد. واژگان مفردی چون «حصور» و واژگان مرکبی چون «نفس واحده» چنین هستند. علامه در ۲۱۷ مورد با بهره‌گیری از سیاق به تبیین و تعیین مصداق معنایی واژگان پرداخته است؛ برای نمونه موارد زیر از این جمله است:

الف) علامه ذیل آیه ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ﴾ (النمل/ ۸۹) می‌نویسد: «از ظاهر سیاق به دست می‌آید که منظور از فزع، فزع بعد از نفخ صور دوم می‌باشد، نه نفخ صور اول و این آیه معنای آیه ۱۰۳ سوره انبیاء (لَا يَخْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ

وَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ^۳ را در بر دارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۵: ۴۰۳).

ب) در المیزان ذیل آیه ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا﴾ (الجن/ ۲۶) آمده است: «مفاد کلمه ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ﴾ با کمک گرفتن از سیاق، این است که علم غیب به خداوند متعال اختصاص دارد و تمام غیب‌ها را در بر می‌گیرد. لذا دو بار آن را تکرار کرده، به خود (عَلَىٰ غَيْبِهِ) نسبت داده است و برای افاده اختصاص، به جای اسم ظاهر، ضمیر آورده است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲۰: ۵۳؛ برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۱: ۲۲۲؛ همان، ج ۱۳: ۱۱۷؛ همان، ج ۱۴: ۴۳؛ همان: ۲۳۳؛ همان، ج ۱۵: ۳۸۸؛ همان، ج ۱۶: ۳۸۵؛ همان، ج ۱۸: ۲۱۱؛ همان، ج ۱۹: ۳۶۸ و همان، ج ۲۰: ۵۲).

۶-۲ تعیین مخاطب

در برخی آیات قرآن - که از افعال و ضمائر مخاطب استفاده شده است - صریحاً به مخاطبان اشاره نرفته است. لذا گاه در میان مفسران در یافتن مرجع خطاب، اختلاف دیدگاه وجود دارد که یکی از روش‌های اطمینان‌بخش برای یافتن مخاطب آیات، بهره‌گیری از سیاق آیات می‌باشد و علامه در ۴۰ مورد، با بهره‌گیری از سیاق به تعیین مخاطب آیات پرداخته است؛ از جمله:

الف) علامه ذیل آیه ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ (الانبیاء/ ۹۲)، می‌نویسد: «خطاب در این آیه، چنان که سیاق آیات شهادت می‌دهند، خطابی عام است که همه انسان‌های مکلف را در بر می‌گیرد»^۴ (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۴: ۳۲۲).

ب) در المیزان، ذیل آیه ۹۸ سوره انبیاء (إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ) آمده است: «ظاهر سیاق نشان می‌دهد که خطاب، کافران و خدایانشان را در بر می‌گیرد. منظور این است که شما و خدایانتان در جهنم داخل می‌شوید یا به آن بازگردانده می‌شوید»^۵ (همان، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۴: ۳۲۷؛ برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۱: ۱۳۲؛ همان،

ج ۴: ۵؛ همان، ج ۶: ۷۸؛ همان، ج ۹: ۳۳۵؛ همان، ج ۱۰: ۱۱۶؛ همان، ج ۱۲: ۲۰۴؛ همان، ج ۱۴: ۳۲۲؛ همان، ج ۱۸: ۲۸ و همان، ج ۲۰: ۳۵۲).

۷-۲) تقييد مطلقات

«برخی از آیات قرآن به طور مطلق و بدون قيد آمده است و برخی ديگر مقيد است، يا قيدي براي آیات مطلق به شمار مي آيد. از اين رو، تفسير آیات مطلق بدون توجه به آیات مقيد، صحيح نيست و در حقيقت، مراد جدي متکلم را روشن نمي سازد؛ به عبارت ديگر، آیات مقيد، مفسر آیات مطلق است» (رضائي اصفهاني، ۱۳۸۲: ۸۸).

يکي از روش هاي مهم در يافتن آیات مقيد، توجه به سياق مي باشد. علامه در يک مورد چنين استفاده اي از سياق کرده است و ذيل آيه ﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَصُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...﴾ (النساء / ۱۱۳) مي نويسد:

«اين قسمت از آيه ﴿وَمَا يَصُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ﴾ ضرر رساندن کافران به پيامبر (ص) را به صورت مطلق نفی مي کند. مع ذلك، ظاهر سياق بيانگر تقييد آن با جمله ﴿وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ﴾ است. البته اين در صورتي است که اين جمله، حال از ضمير در ﴿يَصُرُّونَكَ﴾ باشد» (طباطبائي، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ۷۸).

۸-۲) تناسب آیات

«تناسب يا مناسبت در لغت به معني هم شکلي و نزديک به هم بودن است و در اصطلاح علوم قرآن، ربط دهنده بين آیات را گویند. از تناسب گاه با تعابير تناسق و اتساق نیز ياد شده است» (فقهی زاده، ۱۳۷۴: ۷۷). در تناسب آیات، مباحث مختلفی مطرح است، چنان که سيوطی درباره اهميت و اقسام تناسب آیات و سوره ها مي نويسد:

«تناسب، انواعی دارد؛ از جمله، تناسب ابتدای سوره ها با انتهای آن ها مي باشد؛ مانند ابتدای سوره مؤمنون که با ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾ آغاز شده است

و با ﴿إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ﴾ به پایان رسیده است و یا سوره صاد که با آیه ﴿ص وَالْقُرْآنَ ذِي الذِّكْرِ﴾ آغاز شده است و با آیه ﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ پایان یافته است. از دیگر مناسبت‌های یک سوره، حروف مقطعه‌ای است که سوره با این حروف آغاز شده است؛ چنانکه نمی‌توان «الم» را در جایگاه «الر» و یا «حم» را در موضع «طس» قرار داد، به دلیل اینکه هر سوره‌ای با هر حرفی که آغاز شده، آن حرف در آن سوره بیشتر تکرار شده است؛ مانند سوره‌های «ق» و «یونس»، کلماتی که در بر دارنده این حروف هستند، در این دو سوره پانصد یا دویست بار تکرار شده‌اند. وی در ادامه و در تقسیم‌بندی تناسب می‌نویسد: «از جمله اقسام مناسبت: تنظیر، تضاد، استطراد، حسن تخلّص برای رسیدن به هدف سوره می‌باشد» (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۰۶ق: ۲۹).

بنابراین، یکی از اقسام تناسب آیات، استطراد و استدراک آیات می‌باشد. علامه از سیاق آیات برای تبیین استطراد آن‌ها بهره جسته است؛ زیرا درباره برخی آیات قرآن، ممکن است چنین برداشت شود که به صورت استطرادی می‌باشند. یکی از راه‌های تشخیص استطراد و نبود آن، بهره‌گیری از سیاق است.

۱-۸-۲) آیات استطرادی

«استطراد، از محسنات معنوی کلام است و آن عبارت از این است که متکلم بنا به مناسبتی از مطلبی به مطلب دیگر منتقل شود و آنگاه به سخن اول برگردد و آن را تا پایان ادامه دهد» (همان: ۹۲). علامه در دو جای تفسیرش (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۴: ۳۵۹ و همان، ج ۲۰: ۱۰۹)، استطرادی بودن آیات را بیان نموده است: یکی ذیل آیه ۴۳ سوره نساء و دیگری ذیل آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره قیامت؛ برای نمونه، ذیل آیات اخیر ﴿لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ * إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ﴾ (القیامة / ۱۶-۱۹)) می‌نویسد:

«سیاق این چهار آیه - با توجه به آیات قبل و بعد آنها که قیامت را توصیف کرده‌اند - نشان می‌دهد که این آیات معترضه و در بر دارنده ادب الهی است و پیامبر^(ص) مکلف گردیده تا به هنگام وحی آیات قرآن کریم بر ایشان، ادب را رعایت نماید^۶ و به قرائت آنچه که هنوز نازل نشده است، مبادرت نکند و زبان خود را برای خواندن آن نجنباند و سکوت پیشه کند تا وحی پایان یابد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲۰: ۱۰۹).

۹-۲) تبیین قواعد ادبی

از جمله کارکردهای سیاق، به کارگیری آن در مسایل و موضوعات مرتبط با قواعد ادبی می‌باشد و «مراد از قواعد ادبی، قواعدی است که در علمی چون نحو، معانی، بیان و بدیع مورد بحث قرار می‌گیرد و در تفسیر قرآن از آنها استفاده می‌شود» (شاکر، ۱۳۸۲: ۱۰۱). مفسران کم‌وبیش از قواعد ادبی در تفاسیر خود بهره جسته‌اند. با وجود این، برخی بدون توجه به سیاق به بیان جایگاه ادبی کلمات و عبارات پرداخته‌اند. از آنجا که استفاده از سیاق در *المیزان* اهمیت ویژه‌ای دارد، علامه ۱۶۸ بار با بهره‌گیری از سیاق به تبیین قواعد ادبی (صرف، نحو و بلاغت) آیات پرداخته است؛ برای نمونه در موارد زیر:

الف) مثال صرفی: در *المیزان*، ذیل آیه ﴿قَالَ عَفْرَيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ﴾ (النمل / ۳۹) آمده است:

«"آتیک" اسم فاعل و یا فعل مضارع از مصدر «اتیان» می‌باشد و احتمال اسم فاعل بودنش با سیاق مناسب بیشتری دارد؛ زیرا اولاً اسم فاعل بر استمرار و آمیختگی فعل (در فاعل) دلالت دارد. ثانیاً جمله ﴿وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ﴾، جمله اسمیه می‌باشد و عطف آن بر جمله اسمیه مناسب بیشتری دارد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۵: ۳۶۲؛ برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۱۴: ۱۳۲).

ب) مثال نحوی: علامه ذیل آیه ۵۹ سوره فرقان (... ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلُ بِهِ خَبِيرًا) می‌نویسد:

«آنچه که از سیاق به دست می‌آید و نظم آیات بر آن رهنمون می‌باشد، این است که "الرَّحْمَنُ" خبر برای مبتدای محذوف و تقدیر آن، «هو الرَّحْمَن» است (ر.ک؛ همان، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵: ۲۳۳؛ برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ۱۹: ۱۲۲؛ همان، ۱۹: ۳۱۲؛ همان، ج ۲۰: ۲۷؛ همان، ج ۲۰: ۶۱ و همان، ج ۲۰: ۶۹).

ج) مثال بلاغی: در المیزان، ذیل آیه ۲۹ سوره حدید (لَمَّا يَغْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ) آمده است: «ظاهر سیاق نشان می‌دهد که در این آیه التفاتی از خطاب به مؤمنان به پیامبر^(ص) به کار رفته است (ر.ک؛ همان، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۱۷۵؛ برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۵: ۲۹۳؛ همان، ج ۷: ۱۰۴؛ همان، ج ۹: ۷۵؛ همان، ج ۱۲: ۴۹؛ همان، ج ۱۷: ۵۷؛ همان، ج ۲۰: ۱۰).

۲-۱۰) نقد و اختیار آرای تفسیری

یکی از مهم‌ترین کارکردهای سیاق در المیزان، نقد و اختیار آرای تفسیری می‌باشد. علامه ذیل برخی آیات، اقوال مفسران، اعم از شیعه و سنی را در تفسیر آیه گزارش کرده است و آنگاه با بهره‌گیری از سیاق آیات، به اختیار و گزینش یکی از اقوال و نقد و یا ردّ باقی آن‌ها پرداخته است. علامه ۳۸۱ بار به کمک سیاق آیات، به نقد و اختیار آرای مفسران پرداخته است و ۱۳ بار نظرات مفسران را تأیید، ۳۵۷ بار نظرات تفسیری را نقد کرده است و ۱۱ بار نیز به نقد و اختیار آرای تفسیری پرداخته است؛ برای نمونه:

الف) تأیید آرای تفسیری: علامه ذیل آیه (وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ... (آل عمران / ۸۱) می‌نویسد:

«بعضی از مفسران در تفسیر آیه آورده‌اند: خداوند از پیامبران عهد و پیمان گرفت که حضرت محمد^(ص) را تصدیق کرده است و به امت‌هایشان بعثت ایشان را بشارت دهند. این دیدگاه بر اساس سیاق آیات - همان طور که به آن اشاره شد - صحیح می‌باشد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۳۳۵؛ برای نمونه‌های دیگر،

ر.ک؛ همان، ج ۱۳: ۱۶۹؛ همان، ج ۱۳: ۳۶۱؛ همان، ج ۱۴: ۳۵۲؛ همان، ج ۱۷: ۵۶؛ همان، ج ۱۸: ۴۸ و همان، ج ۲۰: ۲۸۹).

ب) نقد آرای تفسیری: علامه ذیل آیه ۴ سوره عنکبوت (أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ)، می نویسد:

« بعضی از مفسران درباره این آیه گفته اند: مفاد آیه مربوط به توبیخ مؤمنان نافرمان می باشد و مراد از این قسمت از آیه که می فرماید: ﴿الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ﴾ نیز مؤمنان نافرمان هستند و مراد از سیئات، گناهانی غیر از شرک است که مرتکب می شوند، اما سیاق آیه با این نظر مساعدت ندارد» (همان، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۶: ۱۰۱؛ برای نمونه های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۲: ۴۳۲؛ همان، ج ۳: ۱۹۳؛ همان، ج ۵: ۸؛ همان، ج ۷: ۳۳۹ و همان، ج ۱۲: ۳۳۸).

ج) نقد و اختیار آرای تفسیری: علامه ذیل آیه ﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾ (مریم / ۸۷)، سه قول را در تفسیر "عهد" گزارش می کند. نخست، عهد ایمان به خداوند و تصدیق نبوت می باشد. دوم، منظور از عهد، وعده خداوند به شفاعت کردن است؛ چنانکه بر اساس روایات این وعده به انبیاء، ائمه، مؤمنان و ملائکه داده شده است. سوم، عهد شهادت به "لا إله إلا الله" و دوری جستن از حول و قوه غیر الهی است و تنها امید داشتن به خداوند است.^۷ علامه پس از گزارش اقوال سه گانه می نویسد: «وجه اول، صحیح تر و مناسب تر با سیاق است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۴: ۱۱۱؛ برای نمونه های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۸: ۱۲۹؛ همان، ج ۱۱: ۲۲۹؛ همان، ج ۱۳: ۳۶۷؛ همان، ج ۱۴: ۹۹؛ همان، ج ۱۸: ۲۲۳ و همان، ج ۲۰: ۲۰۱).

۲-۱۱) اختیار قرائت

ابن جزری در تعریف علم قرائت آورده است: «علم قراآت، علم به کیفیت أداء کلمات قرآن و اختلاف آن ها با استناد به ناقل آن می باشد» (ابن جزری، ۱۴۲۰ق.، ج ۹). از جمله روش های معمول برای تفسیر آیات، توجه به قرائت های مختلف واژگان قرآن «می» است و بر

این اساس، تفسیر آیه گاه بر اساس اختیار یک قرائت و گاه با احتمال صحیح چند قرائت صورت می‌پذیرد. برای دستیابی به قرائت صحیح و مختار واژگان، راه‌های مختلفی وجود دارد که از جمله آن‌ها بهره‌گیری از سیاق آیات می‌باشد. علامه در شش نوبت با بهره‌گیری از سیاق به اختیار قرائت صحیح آیه پرداخته‌است؛ برای نمونه، در المیزان، ذیل آیه ۹ سوره فتح ﴿لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلاً﴾ آمده‌است: «قرائت مشهور در افعال چهارگانه این آیه، به "تاء" مخاطب می‌باشد. ابن کثیر و ابو عمرو تمام این افعال را به "یاء" غایب قرائت کرده‌اند و قرائت این دو با توجه به سیاق، صحیح‌تر می‌باشد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۸: ۲۷۳؛ برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۲: ۱۵۹؛ همان، ج ۵: ۳۷۶؛ همان، ج ۱۵: ۱۹۲؛ همان، ج ۱۵: ۴۰۲؛ همان، ج ۲۰: ۴۰).

۲-۱۲) اختیار مرجع ضمیر

یکی از مسایل مهم در تفسیر آیات قرآن، توجه به مرجع ضمیر آیات می‌باشد. غفلت از این حقیقت و یا تشخیص صحیح ندادن مرجع ضمیر، کج‌فهمی از آیات را در پی خواهد داشت. همچنان‌که احتمال و قابلیت چند مرجع برای ضمیری واحد، برداشت‌های متعدد و گاه معارض را در پی خواهد داشت. برخی آیات قرآن از چنین ویژگی برخوردار است و به دلیل احتمالاتی چند در مرجع آن، تفسیرهای متعددی از آن‌ها ارائه شده‌است.^۱ «گاه مرجع ضمیر در جمله روشن است و به آسانی قابل تشخیص می‌باشد، ولی در موارد بسیاری تشخیص مرجع ضمیر تنها در پرتو قراین معینه ممکن می‌گردد» (رجبی، ۱۳۸۳: ۸۸). از جمله قراین، سیاق آیات می‌باشد. علامه در ۹۴ مرتبه به کمک سیاق به تعیین مرجع ضمیر پرداخته‌است؛ برای نمونه، ذیل آیه ۱۰ سوره انفال (وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) می‌نویسد: «دو ضمیری که در کلمات «جَعَلَهُ» و «بِهِ» وجود دارد، با توجه به دلالت سیاق به امداد ملایکه بازمی‌گردند و معنی آن این می‌شود که یاری نمودن ملایکه هدف بشارت و موجب اطمینان شما بوده‌است، نه اینکه کافران به دست آن‌ها کشته شوند. همان‌گونه که در آیه بعد^۲ به آن اشاره شده‌است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۹: ۲۱؛ برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۳: ۹۴؛ همان، ج ۴: ۲۰۸؛ همان، ج ۵: ۴۰؛ همان، ج ۸:

۳۴۸؛ همان، ج ۱۰: ۷۵؛ همان، ج ۱۳: ۳۳۰؛ همان، ج ۱۴: ۲۶۸؛ همان، ج ۱۶: ۲۰۳؛ همان، ج ۱۸: ۳۷۹؛ همان، ج ۲۰: ۵۰؛ همان، ج ۲۰: ۱۵۴ و همان، ج ۲۰: ۱۷۲).

۱۳-۲) نقد و تأیید روایات

یکی از منابع مهم در قرآن‌شناسی و تفسیر آیات، روایات هستند که در میان شیعه، روایات پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) هر دو حجت می‌باشند و در میان اهل سنت، تنها احادیث پیامبر^(ص) حجیت دارند. گفتنی است با وجود ابواب تفسیر در کتاب‌های روایی، مانند کتاب تفسیر در صحیح بخاری و صحیح مسلم و غیر آن‌ها، روایات تفسیری پیامبر^(ص) نسبت به روایات احکام (حلال و حرام) اندک می‌باشد و آنچه در کتاب‌های تفسیری نقل شده نیز کمتر می‌باشد (ر.ک؛ خضیری، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۶۳۲)، به طوری که در دوره تابعین، کمتر از سه درصد تفسیر به احادیث پیامبر^(ص) استناد و استشهاد شده‌است (ر.ک؛ شاکر، ۱۳۸۲: ۲۸۴).

مشکل زمانی دوچندان خواهد بود که واقف باشیم برخی از روایات تفسیری، ساخته قصه‌پردازان، جاعلان حدیث و یهودیان توطئه‌گر می‌باشد؛ چنانکه از احمد بن حنبل نقل شده‌است: «سه چیز اصل ندارد: تفسیر، ملاحم و مغازی. مراد وی از تفسیر، تفسیر روایی و مراد از اصل، سند صحیح می‌باشد» (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۷۴). علامه طباطبائی معتقد است: «کسی که با دقت در روایات معنعن تفسیر تدبّر نماید، تردید نخواهد داشت که دسّ و وضع در میان آن‌ها نیز فراوان است. اقوال متدافع و متناقض که به تنها یک صحابی یا تابعی بسیار نسبت داده شده، قصص و حکایاتی که قطعی‌الکذب است، در میان این روایات بسیار دیده می‌شود. اسباب نزول و ناسخ و منسوخ که با سیاق آیات وفق نمی‌دهد، یکی دو تا نیست که قابل اغماض باشد» (طباطبائی، ۱۳۵۳: ۷۸). در المیزان، روایات حضور پررنگی دارند و علامه فراوان با بهره‌گیری از سیاق آیات به تأیید و نقد شش دسته از روایات پرداخته‌است: ۱- نقد روایات تاریخ‌گذاری آیات. ۲- تأیید و نقد روایات تفسیری. ۳- نقد روایات جری و تطبیق. ۴- تأیید و نقد روایات سبب نزول. ۵- نقد روایات ناسخ و منسوخ. ۶- نقد روایات تحریف قرآن.

۲-۱۳-۱) نقد روایات تاریخ‌گذاری آیات

چنانکه گذشت، از جمله طرق «تاریخ‌گذاری آیات»، استفاده از روایات مختلف مکی و مدنی، اسباب نزول، ترتیب نزول، ناسخ و منسوخ و سیره پیامبر اسلام (ص) می‌باشد. علامه طباطبائی نسبت به روایات، نگاه ساده‌انگارانه ندارد و آن‌ها را یکسر صحیح تلقی نکرده‌است. وی با بهره‌گیری از سیاق، به بررسی و ارزیابی دو دسته از این روایات پرداخته‌است: ۱- نقد روایات زمان نزول آیات. ۲- نقد روایات مکی و مدنی.

۲-۱۳-۱-۱) نقد روایات زمان نزول آیات

دسته اول روایات تاریخ‌گذاری، روایات زمان نزول آیات می‌باشند که علامه طباطبائی در دو جای تفسیر خود (ر.ک؛ همان، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۲۶۷-۲۶۸ و همان، ج ۹: ۲۴)، به کمک سیاق آیات به نقادی آن‌ها پرداخته‌است. برای نمونه، ایشان ذیل آیه ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ...﴾ (آل عمران/ ۶۴) می‌نویسد: «برخی با توجه به روایت گفته‌اند این آیه در ابتدای هجرت نازل شده‌است و برخی دیگر- به نقل از ابن حجر- گفته‌اند که این آیه دو بار فرود آمده‌است. علامه در نقد این روایات می‌نویسد: «اتصال سیاق آیات این سوره تأیید می‌کند که این آیه قبل از سال نهم هجری نازل شده‌است و داستان و قد نیز در سال ششم هجری یا قبل از آن اتفاق افتاده‌است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۲۶۷-۲۶۸ و نیز ر.ک؛ همان، ج ۹: ۲۴).

۲-۱۳-۲) نقد روایات مکی و مدنی

زرکشی از جعبری نقل می‌کند: برای شناخت مکی و مدنی دو راه وجود دارد: سماعی و قیاسی، سماعی آن است که نزول مکی یا مدنی از طریق روایت به ما رسیده باشد و قیاسی، قواعدی است که علقمه از عبدالله نقل کرده‌است (ر.ک؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۲۷۶). علامه به روایات مکی و مدنی با دیده تردید نگریسته‌است و به شدت از حجیت بخشیدن به آن‌ها پرهیز کرده‌است و برای تشخیص صحیح از سقیم آن‌ها به سیاق آیات توجه بسزایی دارد؛

چنانکه در جایی نوشته است: «در روایات مکی و مدنی و ترتیب نزول تناقض وجود دارد و این باعث می‌شود از درجه اعتبار ساقط شود و تنها راه معین برای رسیدن به این هدف تدبر در سیاق آیات قرآن و استمداد از قراین و نشانه‌های داخلی و خارجی باشد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۲۳۵). علامه با توجه به سیاق آیات، شش بار روایات مکی و مدنی را نقد کرده است؛ برای مثال، ذیل آیه ﴿وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾ (الأنفال / ۳۰)، به سه روایت فریقین در مکی بودن آیه اشاره کرده است و آنگاه در نقد آن‌ها می‌نویسد: «سیاق آیات با این روایات (که آیه را مکی دانسته‌اند) سازگار نمی‌باشد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹: ۷۶؛ برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۱۱: ۷۴؛ همان: ۲۸۵؛ همان، ج ۱۲: ۲۲۲ و همان، ج ۲۰: ۱۳۵).

۲-۱۳-۲) تأیید و نقد روایات تفسیری

علامه طباطبائی به کمک سیاق آیات به بررسی و تحلیل روایات تفسیری پرداخته است و این دسته از روایات را در دو بخش بررسی کرده است: ۱- تأیید روایات تفسیری. ۲- نقد روایات تفسیری.

۲-۱۳-۲) تأیید روایات تفسیری

علامه در ۲۴ مرتبه با بهره‌گیری از سیاق، به تأیید روایات تفسیری پرداخته است؛ برای نمونه، ایشان ذیل آیه ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...﴾ (البقره / ۱۴۳) می‌نویسد: «ابوبصیر از یکی از دو امام (باقر یا صادق^(ع)) روایت کرده است: به ایشان عرضه داشتم، آیا پیامبر^(ص) مأمور بود که به سوی بیت المقدس نماز بگذارد؟ امام^(ع) فرمودند: آری. آیا توجه نداری که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا...﴾. علامه در توضیح این روایت می‌نویسد: مقتضای حدیث این است که جمله ﴿الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا﴾ توصیف قبله بوده است و مراد از آن، بیت المقدس می‌باشد و این قبله‌ای است که رسول خدا^(ص) به سوی آن نماز می‌گذارد. این مطلب را سیاق آیات تأیید

می‌کند» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱: ۳۳۳؛ برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۳: ۳۳۷ و همان، ج ۱۷: ۹).

۲-۱۳-۲) نقد روایات تفسیری

علامه در ۳۴ نوبت به نقد روایات تفسیری به کمک سیاق آیات پرداخته‌است؛ برای نمونه در بخش «بحث روایی»، ذیل آیه ﴿الَّذِينَ يُوفُونَ بَعْدَ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ﴾ (الرعد / ۲۰)، از تفسیر الدر المنثور به نقل از قتاده آورده‌است:

«به عهدتان وفا کنید و نقض میثاق نکنید؛ چراکه خداوند از آن نهی کرده‌است و با مقدم داشتن (آیات تند اندازبخش) بر حذر داشته‌است و در بیست‌و‌آندی آیه، آن را متذکر شده‌است تا شما را نصیحت کرده، حجت را تمام کند. اهل فهم و خرد و نیز باورمندان به خداوند، تنها اموری را بزرگ می‌شمارند که خداوند آن‌ها را بزرگ شمرده باشد و برای ما روایت شده‌است که پیامبر^(ص) می‌فرمود: هر آن که امانتدار نیست، ایمان ندارد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۱: ۳۴۸-۳۴۹).

علامه در نقد این روایت می‌نویسد: «ظاهر روایت این است که عهد و میثاق در آیه به آنچه که میان مردم جریان دارد، حمل شده‌است، در حالی که سیاق آیه برخلاف آن است» (همان). در توضیح نقد علامه باید گفت آنچه که از قتاده گزارش شده‌است، ناظر بر محافظت از عهد و میثاقی است که میان مردم جریان دارد، حال آنکه بر اساس آنچه از سیاق آیات به دست می‌آید، این آیه ناظر بر عهد و میثاق خداوند با بندگانش می‌باشد و یا حداقل، اعم از عهد و میثاق میان مردم است (برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان: ۳۳۲ و همان، ج ۱۵: ۳۹۱).

۲-۱۳-۳) نقد روایات جری و تطبیق

علامه در هفت مورد با بهره‌گیری از سیاق، به نقد روایات جری و تطبیق پرداخته‌است؛ برای مثال ذیل آیه ﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (الزمر / ۳۳) می‌نویسد: «روایت شده آن که "صِدْق" را آورد، جبرئیل و آن که «صِدْق» را تصدیق کرد،

محمد^(ص) است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۷: ۲۶۴). علامه در نقد آن می‌نویسد: «اگر چه این روایت از باب جری و تطبیق می‌باشد، مع ذلک، سیاق آیات آن را بر نمی‌تابد؛ چرا که آیات به توصیف پیامبر^(ص) و مؤمنان پرداخته‌اند و تطبیق آن بر جبرئیل از سیاق بیگانه است و سخنی از او در میان نیست» (همان؛ همان، برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۵: ۱۴۴؛ همان، ج ۷: ۵۷؛ همان، ج ۱۲: ۱۷۷ و همان، ج ۱۹: ۱۱۴).

۲-۱۳-۴) تأیید و نقد روایات سبب نزول

آیات قرآن دو گونه نازل شده‌اند. پاره‌ای از آن‌ها ابتدا و بدون وقوع هیچ سؤال و پیشامدی نازل شده‌اند و پاره‌ای دیگر در پی حادثه و سؤالی فرود آمده‌اند (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق.، ج ۱: ۱۲۰). بنابراین قسم دوم از اسباب یا شأن نزول برخوردارند. سبب نزول «عبارت از اموری است که یک و یا چند آیه و یا سوره‌ای در پی آن‌ها و به سبب آن‌ها نازل شده‌است و این امور در زمان نبوت رسول اکرم^(ص) روی داده‌است» (حجتی، ۱۳۸۱: ۲۰). مهم‌ترین راه برای شناسایی سبب نزول، روایات می‌باشند؛ چنانکه واحدی می‌نویسد: «سخن در باب سبب نزول کتاب وارد نیست، مگر به وسیله روایت یا شنیدن از کسانی که شاهد نزول آیات بوده‌است و بر سبب نزول آن واقف بوده‌اند و از علم آن بحث کرده‌اند» (واحدی، ۱۴۱۱ق.: ۱۰).

اما از آنجا که اسباب نزول‌ها ماهیتی روایی دارند، چون دیگر روایات، جملگی به صحت نپیوسته‌اند. لذا قرآن‌پژوهان و مفسران را - به‌ویژه در سده معاصر - بر آن داشته تا نگاهی عمیق‌تر به آن‌ها افکنده‌است و آن‌ها را با روش‌های مختلف - از جمله استفاده از سیاق، تحلیل و ارزیابی کنند. علامه نیز در *المیزان* با بهره‌گیری از سیاق به بررسی و تحلیل روایات سبب نزول پرداخته‌است.

۲-۱۳-۴ (۱-۴) تأیید روایات سبب نزول

علامه در هشت نوبت با استفاده از سیاق آیات روایات سبب نزول را تأیید کرده است که این تأیید به دو صورت بوده است: الف) تأیید روایات سبب نزول پس از ذکر روایت. ب) تأیید روایات سبب نزول بدون ذکر روایت.

الف) تأیید روایات سبب نزول پس از ذکر روایت

علامه در پنج نوبت به کمک سیاق آیات به تأیید روایات سبب نزول پرداخته است؛ برای نمونه، ذیل آیات ۳۳ تا ۴۱ سوره نجم (أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى * وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى * أَعِنْدَهُ عِلْمٌ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَى * أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى * وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى...) می نویسد: «سیاق آیات نه گانه سبب نزولی را که روایت شده است، تأیید می کند. در روایت آمده است: یکی از مسلمانان اموالش را در راه خدا انفاق می کرد، شخصی او را به دلیل انفاق زیاد سرزنش کرد و او را از این کار برحذر داشت و نسبت به از بین رفتن اموالش و دچار شدن به فقر ترساند و به او تضمین داد (در صورتی که ترک انفاق، گناهی داشته باشد)، گناهان و خطاهایش را به دوش کشد، آن مسلمان از انفاق خودداری کرد و به همین مناسبت، این آیات نازل شد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۴۴؛ برای نمونه های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۱۹: ۱۸۱-۱۸۲).

ب) تأیید روایات سبب نزول بدون ذکر روایت

تفسیر المیزان در سه مورد به کمک سیاق و بدون اشاره به روایات سبب نزول، شأن نزول آیات را تبیین کرده است؛ برای مثال، ذیل آیه ﴿وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا قَرِيبٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ﴾ (النور / ۴۸) می نویسد: «سیاق آیه شهادت می دهد که این آیات در شأن یکی از منافقان نازل شده است که چون منازعه ای میان او و دیگری رخ داد، از او خواسته شد برای داوری نزد رسول خدا^(ص) برود. آن منافق از مراجعه به پیامبر^(ص) سر باز زد و در پی آن، این آیات فرود آمد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵: ۱۴۵). گفتنی است علامه بدون اینکه به روایتی اشاره کند، از این سبب نزول سخن گفته است. ایشان پس از اتمام تفسیر آیات در

«بحث روایی»، به روایتی در زمینه همین سبب نزول اشاره کرده است (برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۵: ۳۳۸ و همان، ج ۲۰: ۸۹).

۲-۱۳-۲) نقد روایات سبب نزول

تفسیر المیزان در ۶۱ مرتبه با بهره‌گیری از سیاق آیات، روایات سبب نزول موجود در جوامع روایی و تفسیری اهل سنت و شیعه را نقادی کرده است؛ برای نمونه، ذیل آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَا لِلنَّاسِ سَوَاءً أَعْرَابٍ أَمْوَانَةٍ وَأَنْبِيَاءٍ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَدِّ يُظَلِّمِ نَفْسَهُ مِنَ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ (الحج/ ۲۵)، به نقل از ابن عباس آمده که این آیه در شأن عبدالله بن انیس نازل شده است که پیامبر (ص) او را با دو تن (یک نفر از مهاجران و یک نفر از انصار) برای امری گسیل داشت. آنان در نَسَب خود به یکدیگر فخرفروشی کردند. عبدالله بن انیس خشمگین شد و مرد انصاری را به قتل رسانده، مرتد گردید و به مکه گریخت و در شأن او، آیه ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَدِّ يُظَلِّمِ نَفْسَهُ مِنَ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ فرود آمد.

علامه در نقد این سبب نزول می‌نویسد: «این سبب نزول با سیاق آیه و نیز صدر و ذیل آیه که ذیل، مکمل معنای صدر است، ناسازگار می‌باشد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۴: ۳۷۶؛ برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۱: ۲۵۹؛ همان، ج ۲: ۷۲؛ همان، ج ۱۱: ۳۳۰؛ همان، ج ۱۹: ۱۶۹ و همان، ج ۲۰: ۱۰۱).

۲-۱۳-۵) نقد روایات ناسخ و منسوخ

علامه در یک مورد - ذیل آیات ۴۲ تا ۴۹ سوره مائده^{۱۰} - روایات ناسخ و منسوخ را با بهره‌گیری از سیاق آیات نقد کرده است. ایشان می‌نویسد:

«از ابن عباس روایت شده که دو آیه از سوره مائده نسخ گردیده است. یکی آیه "قُلَانِد" و دیگری آیه ۴۲ ﴿فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ...﴾. بر این اساس، رسول خدا (ص) مخیر شد که اگر خواست، میان اهل کتاب حکم کند و اگر خواست از داوری میان آنان اعراض کرده، به احکام خودشان ارجاع دهد. از این رو، آیه ﴿فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ...﴾ (المائده/

(۴۸) نازل گردید. رسول خدا^(ص) دستور داد میان آنان بر اساس احکام قرآن داوری شود. همچنین، از ابن عباس روایت شده که آیه ﴿فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ...﴾ با آیه ﴿وَأَنْ أَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ...﴾ (المائدة / ۴۹)، نسخ شده که از عکرمه نیز مانند آن نقل شده است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۵: ۳۶۱).

علامه در نقد این روایات می‌نویسد:

«آنچه از مضمون آیات به دست می‌آید، با این نسخ موافقت ندارند؛ زیرا اتصال ظاهری سیاق آیات اقتضا می‌کند که یکجا نازل شده باشند و در این صورت، نسخ برخی از این آیات به وسیله برخی دیگر معنا ندارد و آیه ﴿وَأَنْ أَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ...﴾ در معنا مستقل نیست، بلکه با آیات قبل مرتبط می‌باشد و دلیلی برای ناسخ بودن آن وجود ندارد» (همان).

۲-۱۳-۶) نقد روایات تحریف قرآن

علامه در یک مورد با بهره‌گیری از سیاق به نقد روایات تحریف قرآن پرداخته است. ایشان ذیل ۹ سوره حجر ﴿إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ به مناسبت مفاد این آیه که بر مصونیت قرآن از تحریف دلالت دارد، بحث مبسوطی از نبود تحریف قرآن به میان آورده است؛ از جمله مباحث مطروحه، بررسی و نقد روایات تحریف می‌باشد. ایشان پس از آنکه روایات فریقین را در این باب نقل می‌کند، با ادله مختلف - از جمله سیاق آیات نبود تحریف - آن‌ها را نقادی کرده است. علامه معتقد است سیاق آیات فراوانی چون ﴿إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ و ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾ بر نبود تحریف در سراسر قرآن دلالت دارند و سیاق آن‌ها ابا دارد از اینکه محدود به نبود تحریف برخی از آیات باشند. لذا این روایات با قرآن مخالفت قطعی دارند (ر.ک؛ همان، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۲: ۱۱۶-۱۱۷).

۲-۱۴) تعیین نوع روایت با سیاق

تفسیر المیزان در پنج نوبت با بهره‌گیری از سیاق به بیان نوع روایت پرداخته‌است؛ برای نمونه، ذیل آیه ﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَبْتَأًا فَأَخْبَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ﴾ (الأنعام/ ۱۲۲) آمده‌است که زید گوید: «از امام صادق (ع) درباره این آیه شنیدم که فرمودند: «میت» کسی است که هیچ نمی‌داند، ﴿نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ﴾ امامی است که به او اقتدا می‌شود، ﴿مَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا﴾ کسی است که امام را نمی‌شناسد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۷: ۳۴۷-۳۴۸). علامه پس از گزارش روایت می‌نویسد: «روایت از قبیل جری و تطبیق می‌باشد؛ چراکه بر اساس سیاق آیه، منظور از «حیاء»، صرفاً ایمان است و مقصود از «نور» رفا هدایت خداوند به سخن حق و عمل صالح می‌باشد» (همان؛ برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۵: ۱۴۴؛ همان، ج ۵: ۳۶۰ و همان، ج ۱۵: ۲۵۴).

۳- کارکردهای سلبی سیاق

مقصود از کارکردهای سلبی این است که علامه به هنگام تبیین برخی آیات و روایات، با وجود آنکه به سیاق آیات اشاره کرده‌است. با وجود این، سیاق نقش تفسیری ایفا نمی‌کند. در این حالت، معنای آیات و روایات با چشم‌پوشی از سیاق آیات بیان گردیده‌است و یا اساساً روایات به کمک سیاق آیات آمده‌اند و در اقسام ذیل منقسم می‌باشند: ۱- تبیین مفهوم آیه بدون توجه به سیاق. ۲- تبیین روایت بدون توجه به سیاق. ۳- استفاده از روایت برای بیان تعدد سیاق.

۳-۱) تبیین مفهوم آیه بدون توجه به سیاق

علامه در پنج نوبت، با صرف نظر از سیاق آیات - که خود مفید معنایی می‌باشد- به تبیین مفهوم آن‌ها پرداخته‌است؛ برای نمونه، ذیل بخشی از آیه هفتم سوره حشر ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ می‌نویسد: «آیه با چشم‌پوشی از سیاق آن^{۱۲} مفهومی عام دارد و تمام دستورهایی که پیامبر (ص) آورده‌است و بدان امر کرده، یا از آن نهی فرموده‌است، در بر

می‌گیرد» (همان، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۹: ۲۰۴؛ برای نمونه‌های دیگر، ر.ک؛ همان، ج ۱۹: ۳۱۴ و همان، ج ۲۰: ۱۴۵).

۳-۲) تبیین روایت بدون توجه به سیاق

علامه در یک نوبت با استفاده سلیبی از سیاق، به تبیین روایت پرداخته‌است؛ برای مثال، ذیل آیه ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (النحل / ۴۳) روایتی را گزارش می‌کند که برابر با آن محمدبن مسلم از امام صادق^(ع) روایت کرده‌است که به امام^(ع) عرضه می‌دارد: کسانی که در اطراف ما هستند، ادعا دارند که در آیه ﴿فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾، مقصود از «اهل الذکر»، یهود و نصاری می‌باشند. امام^(ع) فرمود: آنان با این ادعا شما را به گرایش (باطل) خود فرامی‌خوانند. آنگاه امام^(ع) با دست به سینه‌اش اشاره کرده، فرمود: «اهل الذکر» ما هستیم و از ما باید سؤال شود. امام در ادامه فرمود: مقصود از ذکر، قرآن می‌باشد.

علامه در تبیین این روایت می‌نویسد، چنانکه گذشت، بر اساس سیاق، خطاب در آیه متوجه مشرکان بت پرست و منکر رسالت می‌باشد. (بر اساس این آیه)، آنان مأمور شدند که از اهل ذکر که همان پیروان کتب آسمانی هستند، سؤال کنند که آیا خداوند بشری را برای رسالت برانگیخته، به او وحی کرده‌است؟ بدیهی است ارجاع مشرکانی که پیامبر^(ص) را قبول ندارند، به شخص دیگری که معتقد به قرآن می‌باشد، بی‌معناست؛ زیرا آنان به اینکه قرآن، ذکری از جانب خداوند می‌باشد، اقرار نمی‌کردند. از این رو، در این آیه، مقصود از سؤال‌شونده (مسئول^{عنه})، اهل کتاب، به‌ویژه یهود می‌باشند.

اما با القای خصوصیت و نداشتن تخصیص آیه به موردش - همان طور که ویژگی قرآن چنین است - در جمله ﴿فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾، با قطع نظر از سیاق آن، «سائل»، «مسئول» و «مسئول^{عنه}» عام می‌باشند. «سائل» هر کسی را شامل می‌شود که چیزی از معارف و مسایل مربوط به مکلفان را واقعاً نمی‌داند. «مسئول^{عنه}» همه معارف و مسایلی که

ممکن است یک شخص نداند، در بر می‌گیرد و «مسئول»، مفهوم عام و مصداق خاص دارد که آن مصداق خاص اهل بیت پیامبر^(ص) هستند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۲: ۲۸۴-۲۸۵).

۳-۳) استفاده از روایت برای بیان تعدد سیاق

علامه در یک مورد با کمک روایات به بیان انقطاع سیاق سابق و آغاز سیاق جدید آیات یک سوره پرداخته است. در این رویکرد محور اصلی با روایات است که علامه با بهره‌گیری از آن‌ها به بیان سیاق‌های متعددی که آیات دارند، همت گماشته است؛ برای نمونه ذیل آیه ۱۵۸ سوره بقره ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ پس از نقل چند روایت در شأن نزول این آیه می‌نویسد:

«اقتضای تمام این روایات آن است که آیه درباره تشریح سعی میان صفا و مروه در سال حج مسلمانان (سال هفتم هجری) فرود آمده باشد. سوره بقره اولین سوره‌ای است که در مدینه نازل شده است و از اینجا به دست می‌آید که آیه ۱۵۸ با آیات قبله که پیش تر آمده بود، سیاق یکسانی ندارد؛ زیرا آیات قبله در سال دوم هجری فرود آمده‌اند و نیز آیه ۱۵۸ با آیات آغازین سوره بقره سیاق یکسانی ندارد؛ چه اینکه آن‌ها در سال اول هجرت نازل شده‌اند. بنابراین، آیات سیاق‌های متعدد و فراوان - و نه یک سیاق واحد- دارند» (همان، ۱۴۱۷ق.، ج ۱: ۳۸۸-۳۸۷).

جدول کارکردهای ایجابی و سلبی سیاق در المیزان

محور	طبقه	کد	زیرکد	آدرس	فراوانی	فراوانی	درصد
کارکردهای ایجابی	بیان احکام شرعی	—	—	طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۵: ۶۱؛ همان: ۱۶۵؛ همان، ج ۶: ۱۱۱ و همان، ج ۹: ۳۱۰	۴	۴	۰/۱۹٪
	تاریخ‌گذاری آیات	شناسایی مکی و	—	همان، ج ۷: ۵؛ همان، ج ۹: ۵؛ همان، ج ۱۲: ۱۲	۹۶	۶۷	۴/۵۵٪

			<p>۲۰۳؛ همان، ج ۱۳: ۲۳۶؛ همان، ج ۱۵: ۶۶ همان، ج ۱۶: ۷؛ همان، ج ۱۷: ۶۲؛ همان، ج ۱۸: ۱۳۰؛ همان، ج ۱۹: ۶۶؛ همان، ج ۲۰: ۲۶ و همان، ج ۲۶: ۲۹۶</p>		مدنی	
		۳	<p>همان، ج ۲۰: ۲۳۰؛ همان: ۳۰۲ و همان: ۳۵۱</p>	—	احتمال مکی یا مدنی	
		۱۳	<p>ج ۱: ۳۴۳؛ ج ۲: ۴۴؛ ج ۲: ۶۰؛ ج ۵: ۹۸؛ ج ۶: ۱۱۶؛ ج ۷: ۴۵؛ ج ۲۰: ۳۲۲</p>	—	شناسایی واحد نزول آیات و سوره‌ها	
		۱۳	<p>همان، ج ۲: ۲۲؛ همان، ج ۵: ۱۶۰؛ همان، ج ۹: ۱۸؛ همان: ۳۶۷؛ همان، ج ۱۲: ۲۰۳ و همان، ج ۱۹: ۲۴۰</p>	—	شناخت زمان نزول آیات	
۱/۳۷٪	۲۹	۲۹	<p>همان، ج ۱: ۲۶۱؛ همان، ج ۳: ۲۵۷؛ همان، ج ۵: ۳۰۰؛ همان، ج ۷: ۱۹۹؛ همان، ج ۸: ۲۸۴؛ همان، ج ۱۰: ۳۳۵؛ همان، ج ۱۱: ۱۴۴؛ همان، ج ۱۲: ۴۹؛ همان، ج ۱۴: ۸۱ و همان، ج ۱۹: ۳۶۵</p>	—	—	تبیین مبهمات

همان، ج ۱: ۱۱۶؛ همان، ج ۲: ۳۵۵؛ همان، ج ۳: ۲۶۳؛ همان، ج ۴: ۷؛ همان، ج ۵: ۱۰۳؛ همان، ج ۶: ۲۲۰؛ همان، ج ۷: ۱۴۶؛ همان، ج ۱۰: ۳۴۱؛ همان، ج ۱۵: ۱۳۶؛ همان، ج ۱۸: ۲۴۸ و همان، ج ۲۰: ۳۷۱	—	—	تبيين مفهوم آیات
همان، ج ۱: ۲۲۲؛ همان، ج ۳: ۱۷۷؛ همان، ج ۴: ۳۷۶؛ همان، ج ۶: ۱۰۸؛ همان، ج ۷: ۳۳۰؛ همان، ج ۱۰: ۶۴؛ همان، ج ۱۲: ۳۱۷؛ همان، ج ۱۳: ۱۷۳؛ همان، ج ۱۵: ۷۲؛ همان، ج ۱۷: ۹۸؛ همان، ج ۱۸: ۲۱۱؛ همان، ج ۲۰: ۳۲۵	—	—	تبيين و تعيين معنای واژگان

محور	طبقه	کد	زیرکد	آدرس	فراوانی	فراوانی	درصد
	تعيين مخاطب	—	—	همان، ج ۱: ۱۳۲؛ همان، ج ۵: ۳۷۷؛ همان، ج ۶: ۷۸؛ همان، ج ۸: ۳۵؛ همان، ج ۹: ۳۳۷؛ همان، ج ۱۰: ۱۱۶؛	۴۰	۴۰	۱/۸۹٪

			همان، ج ۱۲: ۳۶۵؛ همان، ج ۱۳: ۲۰۹؛ همان، ج ۱۴: ۳۲۷؛ همان، ج ۱۷: ۳۱۷؛ همان، ج ۱۸: ۲۸؛ همان، ج ۱۹: ۱۰۶ و همان، ج ۲۰: ۳۵۲			
۰/۰۵٪	۱	۱	همان، ج ۵: ۷۸	—	—	تقیید مطلقات
۰/۰۹٪	۲	۲	همان، ج ۴: ۳۵۹ و همان، ج ۲۰: ۱۰۹	—	آیات استطرادی	تناسب آیات
۷/۹۶٪	۱۶۸	۲	همان، ج ۱۴: ۱۲۲ و همان، ج ۱۵: ۳۶۲	—	صرف	تبیین قواعد ادبی
		۷۶	همان، ج ۱: ۴۰۸؛ همان، ج ۶: ۱۹۸؛ همان، ج ۸: ۷۴؛ همان، ج ۹: ۲۰؛ همان، ج ۱۲: ۶؛ همان، ج ۱۳: ۳۷ و همان، ج ۱۵: ۱۵۳	—	نحو	
		۹۰	همان، ج ۴: ۲۶۵؛ همان، ج ۹: ۲۰۱؛ همان، ج ۱۵: ۲۹۳؛ همان، ج ۱۲: ۴۹ و همان، ج ۱۲: ۱۶۵	—	بلاغت	
۱۸/۴۸٪	۳۸۱	۱۳	همان، ج ۳: ۳۳۵ و همان، ج ۱۳: ۱۶۹	—	تأیید آرای تفسیری	نقد و اختیار

		۳۵۷	همان، ج ۱: ۲۲۶؛ همان، ج ۳: ۱۹۳؛ همان، ج ۱۴: ۴۳؛ همان، ج ۱۵: ۲۶۴ و همان، ج ۱۷: ۱۷۳	—	نقد آرای تفسیری	آرای تفسیری
		۱۱	همان، ج ۸: ۱۲۹؛ همان، ج ۱۶: ۵۵ و همان، ج ۲۰: ۲۰۱	—	نقد و اختیار آرای تفسیری	
۰/۲۸٪	۶	۶	همان، ج ۲: ۱۵۹؛ همان، ج ۵: ۳۷۶؛ همان، ج ۱۵: ۱۹۲؛ همان، ج ۱۵: ۴۰۲؛ همان، ج ۱۸: ۲۷۳ و همان، ج ۲۰: ۴۰	—	—	اختیار قرائت
۴/۴۵٪	۹۴	۹۴	همان، ج ۳: ۹۴؛ همان، ج ۴: ۲۰۸؛ همان، ج ۵: ۴۰؛ همان، ج ۸: ۲۰۶؛ همان، ج ۹: ۲۴۷؛ همان، ج ۱۰: ۷۵؛ همان، ج ۱۱: ۳۰۸؛ همان، ج ۱۲: ۲۰۴ و همان، ج ۱۳: ۳۳۰	—	—	اختیار مرجع ضمیر
۶/۸۲٪	۱۴۴	۲	همان، ج ۳: همان، ج ۲۶۸-۲۶۷ و همان، ج ۹: ۲۴	نقد روایات زمان نزول آیات	نقد روایات تاریخ گذاری آیات و سوره‌ها	نقد و تأیید روایات
		۶	همان، ج ۹: ۷۶؛ همان، ج ۱۱: ۷۴؛ همان، ج ۱۱: ۲۸۵؛	نقد روایات مکی و		

			همان، ج ۱۲: ۲۲۲ و همان، ج ۲۰: ۱۳۵	مدنی		
	۲۴		همان، ج ۱: ۳۱۵؛ همان، ج ۱: ۳۳۳؛ همان، ج ۳: ۳۳۷؛ همان، ج ۱۳: ۳۷۷ و همان، ج ۱۷: ۱۵۵	تأیید روایات تفسیری	تأیید و نقد روایات تفسیری	
	۳۴		همان، ج ۵: ۲۹۵؛ همان، ج ۹: ۸۴؛ همان، ج ۱۱: ۳۳۲؛ همان، ج ۱۴: ۱۲۶ و همان، ج ۱۴: ۱۸۵	نقد روایات تفسیری		
	۷		همان، ج ۵: ۱۴۴؛ همان، ج ۷: ۵۷؛ همان، ج ۱۲: ۱۷۷؛ همان، ج ۱۷: ۲۶۴ و همان، ج ۱۹: ۱۱۴	—	نقد روایات جری و تطبیق	
	۸		همان، ج ۱۹: ۴۴ و همان، ج ۱۹: ۱۸۲-۱۸۱	تأیید روایات سبب نزول		
	۶۱		همان، ج ۱: ۲۵۹؛ همان، ج ۲: ۷۲؛ همان، ج ۱۱: ۳۳۰؛ همان، ج ۱۴: ۳۷۶؛ همان، ج ۱۷: ۳۸۶؛ همان، ج ۱۹: ۱۶۹؛ همان، ج ۱۹: ۳۳۷ و همان، ج ۲۰:	نقد روایات سبب نزول	تأیید و نقد روایات سبب نزول	

			۱۰۱			
		۱	همان، ج ۵: ۳۶۱	—	نقد روایات ناسخ و منسوخ	
		۱	همان، ج ۱۲: ۱۱۷-۱۱۶	—	نقد روایات تحریف قرآن	

محور	طبقه	کد	زیو کد	آدرس	فراوانی	فراوانی	درصد
کارکردهای سلبی	تعیین نوع روایت با سیاق	—	—	همان، ج ۵: ۱۴۴؛ همان: ۳۶۰؛ همان، ج ۷: ۳۴۸-۳۴۷؛ همان، ج ۱۲: ۱۷۷ و همان، ج ۱۵: ۲۵۴	۵	۵	۰/۲۴٪
	تبیین مفهوم آیه بدون توجه به سیاق	—	—	همان، ج ۹: ۵۳؛ همان: ۴۰۲؛ همان، ج ۱۹: ۲۰۴؛ همان، ج ۱۹: ۳۱۴ و همان، ج ۲۰: ۱۴۵	۵	۵	۰/۲۴٪
	تبیین روایت بدون توجه به سیاق	—	—	همان، ج ۱۲: ۲۸۵-۲۸۴	۱	۱	۰/۰۵٪
	استفاده از روایت برای بیان تعدد سیاق	—	—	همان، ج ۱: ۳۸۸-۳۸۷	۱	۱	۰/۰۵٪

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت، توجه به سیاق یکی از کارآمدترین ابزارهای فهم و تفسیر آیات قرآن در تفسیر المیزان می‌باشد و مؤلف آن برای مقاصد گوناگون تفسیری و غیر تفسیری از آن استفاده کرده‌است، به طوری که در این تفسیر ارزشمند، واژه «سیاق»، ۲۳۶۴ بار در تفسیرش به کار رفته‌است و از این تعداد، ۲۳۱۲ بار در معنای مصطلح تفسیری استعمال شده‌است. البته علامه طباطبائی در برخی موارد، برای بیان یک کارکرد، چند بار اصطلاح سیاق را به کار برده‌است. با احتساب این موارد، حدود ۲۱۱۱ کارکرد سیاق در المیزان به دست آمد. با بررسی و تحلیل یک‌به‌یک آن‌ها مشخص گردید که کارکردهای سیاق در این تفسیر به دو قسمت کلی تقسیم گردید: الف) کارکردهای ایجابی سیاق. ب) کارکردهای سلبی سیاق. کارکردهای ایجابی که بیشترین حجم سیاق را به خود اختصاص داده‌است، در چهارده گونه تبیین شد: ۱- بیان احکام شرعی (۴ بار: ۰/۱۹٪). ۲- تاریخ‌گذاری آیات (۹۶ بار: ۴/۵۵٪). ۳- تبیین مبهمات (۲۹ بار: ۱/۳۷٪). ۴- تبیین مفهوم آیات (۹۱۷ بار: ۴۳/۴۴٪). ۵- تبیین و تعیین معنای واژگان (۲۱۷ بار: ۱۰/۲۸٪). ۶- تعیین مخاطب (۴۰ بار: ۱/۸۹٪). ۷- تقیید مطلقات (۱ بار: ۰/۰۵٪). ۸- تناسب آیات (۲ بار: ۰/۰۹٪). ۹- تبیین قواعد ادبی (۱۶۸ بار: ۷/۹۶٪). ۱۰- نقد و اختیار آرای تفسیری (۳۸۱ بار: ۱۸/۴۸٪). ۱۱- اختیار قرائت (۶ بار: ۰/۲۸٪). ۱۲- اختیار مرجع ضمیر (۹۴ بار: ۴/۴۵٪). ۱۳- نقد و تأیید روایات (۱۴۴ بار: ۶/۸۲٪). ۱۴- تعیین نوع روایت با سیاق (۵ بار: ۰/۲۴٪).

اما کارکردهای سلبی سیاق در سه دسته تقسیم‌بندی گردید: ۱- تبیین مفهوم آیه بدون توجه به سیاق (۵ بار: ۰/۲۴٪). ۲- تبیین روایت بدون توجه به سیاق (۱ بار: ۰/۰۵٪). ۳- استفاده از روایت برای بیان تعدد سیاق (۱ بار: ۰/۰۵٪).

بنابراین چنین استفاده گسترده‌ای از سیاق در المیزان، از اصالت ذاتی آیات و توجه به قراین مقالیه در فهم آیات حکایت دارد، به طوری که مؤلف در این تفسیر، پیش از آرای مفسران و یا حتی روایات مختلف تفسیری، تاریخ‌گذاری و غیره به سیاق آیات توجه داشته‌است و تلاش

داشته تا آنچه که از سیاق آیات به دست می آید، برای مخاطب خود عرضه کند و در نیل به این مقصود، باکی از نقد روایات و آرای تفسیری مخالف با سیاق نداشته است.

پی نوشت‌ها:

۱- شایان ذکر است برخی از قرآن پژوهان معتقدند که آیات احکام بیش از پانصد آیه بوده است و تعداد آن‌ها را به دوهزار آیه رسانده‌اند (ر.ک؛ معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۳۵۴).

۲- ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً﴾ (الفرقان / ۳۲).

۳- ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾ (البقره / ۱۶۱).

۴- در باب مخاطب این آیه بین مفسران اختلاف نظرهایی وجود دارد و برخی از مفسران نظراتی برخلاف نظر علامه داشته‌اند؛ چنانکه درباره مخاطبان آیه گفته شده است: «خطاب آیه متوجه بیشتر مردم» (ر.ک؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹: ۸۴)، پیامبر^(ص) و مؤمنان هستند (ر.ک؛ دروزه، ۱۳۸۳، ج ۵: ۲۸۹). همچنین، گفته شده که خطاب در آیه متوجه پیامبرانی است که در آیات قبل از آن‌ها یاد شده است (ر.ک؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۱۷: ۱۰۲).

۵- در باب مخاطب این آیه، برخی از مفسران دیدگاه دیگری دارند؛ از جمله برخی معتقدند که خطاب آیه متوجه مشرکان مکه و بت‌هایی است که می‌پرستیدند (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۲: ۱۸۶).

۶- درباره رعایت ادب الهی از سوی پیامبر^(ص) که علامه بدان اشاره کرده است و اینکه پیامبر^(ص) در هنگام نزول قرآن از ترس فراموشی به خواندن قرآن می پرداخت، اختلاف نظرهایی بین مفسران وجود دارد. برخی از مفسران این نظر را نمی‌پذیرند و معتقدند: «این تفسیر برخلاف عقیده عصمت انبیاء است؛ زیرا معنای معصوم مجرد عصمت از معاصی

نیست، بلکه از خطا، سهو، اشتباه و نسیان هم معصوم بودند و خوف فراموشی در حق او غلط است» (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۳۰۰).

۷- این اقوال سه گانه در مجمع‌البیان آمده است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۸۲۰).

۸- مثلاً درباره مرجع ضمائر فاعلی، مفعولی و مجروری (مضاف‌إلیه) در «یروَنَّهُمْ» و «مِثْلِهِمْ» بین مفسران اختلاف فراوانی وجود دارد و با اختلافی که در قرائت «یروَن» وجود دارد و با قرائت «یرونهم» و «ترونهم» و به فتح یاء، تاء و یاء به ضم هر دو که به ۶۴ احتمال و تقدیر یا بیشتر می‌رسد (ر.ک؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۴۲).

۹- ﴿إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَيَّنُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّغْبَ فَاصْرُبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاصْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ﴾ (الأنفال / ۱۲).

۱۰- ﴿سَتَأْمُرُونَ بِالْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلسُّخْتِ فَإِنْ جَاؤُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرَضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصْرُوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ...﴾.

۱۱- مراد، آیه دوم سوره مائده می‌باشد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْلِسُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَيْدَىٰ وَلَا الْأَقْلَادَ وَلَا آمِنَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ...﴾.

۱۲- آیه به صورت کامل آن چنین است: ﴿مَا أَقَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾.

منابع و مأخذ

قرآن مجید.

آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۸۹). فرهنگ معاصر عربی - فارسی. تهران: نشر نی.

آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق.). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. تحقیق علی عبدالباری عطية. بیروت: دارالکتب العلمیة.

- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث و الأثر*. تحقیق محمود محمد طناحی. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن جزری، محمد بن محمد. (۱۴۲۰ق.). *منجد المقرئین و مرشد الطالبین*. بی جا: دارالکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). *التحریر و التنویر*. بی جا: بی نا.
- ابن فارس، أحمد. (۱۴۰۴ق.). *معجم المقاییس اللغة*. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الاعلام الإسلامی.
- اقبال، ابراهیم. (۱۳۸۵). *فرهنگنامه علوم قرآن*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ایزدی، مهدی و نورالدین زندیه. (۱۳۹۱). «سیاق و سباق در مکتب تفسیری علامه طباطبائی». *فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*. د ۵. ش ۱۰. صص ۵-۲۴.
- تقیان، عباس. (۱۳۸۸). «گونه شناسی سیاق در تفسیر المیزان، صورت بندی و کارکرد». *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*. د ۶. ش ۲ (پ ۱۲). صص ۱۲۷-۱۴۸.
- جلالیان، حبیب الله. (۱۳۷۸). *تاریخ تفسیر قرآن کریم*. تهران: اسوه.
- حجتی، سید محمدباقر. (۱۳۸۱). *اسباب نزول*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خضیری، محمد بن عبدالله (معاصر). (۱۴۲۰ق.). *تفسیر التاجین*. ریاض: دارالوطن.
- دروزه، محمد عزت. (۱۳۸۳). *التفسیر الحدیث*. القاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- ربیع نتاج، سید علی اکبر. (۱۳۸۵). «نقش سیاق در کشف معانی قرآن از منظر مؤلف المیزان». *مطالعات اسلامی*. ش ۷۲. صص ۵۵-۸۲.
- رجبی، محمود. (۱۳۸۳). *روش تفسیر قرآن*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- رضائی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۲). *درسنامه روش ها و گرایش های تفسیری قرآن*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- رضایی کرمانی، محمد علی. (۱۳۷۶). «جایگاه سیاق در المیزان». *فصلنامه پژوهش های قرآنی*. د ۳. ش ۹ و ۱۰. صص ۱۹۴-۲۰۵.

رکنی یزدی، محمدمهدی. (۱۳۷۹). *آشنایی با علوم قرآنی*. مشهد - تهران: آستان قدس - سمت.

زرکشی، محمدبن عبدالله. (۱۴۱۰ق.). *البرهان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالمعرفة.

سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۲۱ق.). *الإتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالکتب العربی.

_____ . (۱۴۰۶ق.). *تناسق الدرر فی تناسب السور*. محقق عبدالقادر احمدعطا.

بیروت - لبنان: دارالکتب العلمیة.

شاکر، محمد کاظم. (۱۳۸۲). *مبانی و روش‌های تفسیری*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی

جامعه مدرسین حوزه علمیه.

_____ . (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمدباقر موسوی

همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

_____ . (۱۳۵۳). *قرآن در اسلام*. تهران: دارالکتب الإسلامیة.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. با مقدمه محمدجواد بلاغی.

تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات اسلام.

فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد. (۱۴۲۰ق.). *مفاتیح الغیب*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

فقهی زاده، عبدالهادی. (۱۳۷۴). *پژوهشی در نظم قرآن*. تهران: جهاد دانشگاهی.

معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۸ق.). *التفسیر و المفسرون*. مشهد: الجامعة الرضویة للعلوم الإسلامیة.

ناصری کریموند، امان‌الله و سهراب مروتی. (۱۳۹۱). «روش علامه طباطبائی در بررسی و نقد

تفاسیر روایی با تکیه بر قاعده سیاق». *فصلنامه حدیث پژوهی*. س ۴. ش ۸. صص ۲۰۹ -

_____ (۱۳۹۱). «قاعده سیاق و نقش آن در روش‌های
کشف معانی و مفاهیم قرآن در تفسیر المیزان». نشریه معرفت. س ۲۱. ش ۱۷۳. صص ۶۱
-۷۶.

نقی پورفر، ولی‌الله. (۱۳۸۱). پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن. تهران: اسوه.
نکونام، جعفر. (۱۳۸۰). درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن. تهران: نشر هستی‌نما.
واحدی، علی‌بن احمد. (۱۴۱۱ق.). اسباب النزول القرآن. بیروت - لبنان: دارالکتب العلمیه.
هاشمی، محمدباقر و عبدالجبار زرگوش‌نسب. (۱۳۸۸). «بهره‌گیری از روش تفسیر سیاقی در
المیزان». پژوهشنامه قرآن و حدیث. ش ۶. صص ۱۱۹-۱۳۲.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی